



## جنگ ایران و اسرائیل از منظر حقوق بین‌الملل؛ مشروعیت، مسئولیت و پیامدها

صفی‌الله مولوی‌زاده\*

### چکیده

عملیات گسترده اسرائیل علیه برنامه هسته‌ای ایران در ۱۲ جون ۲۰۲۵، به کانون توجه جهانی بدل شده و درگیری مستقیم میان اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران وارد مرحله‌ای تازه گردید. اسرائیل مدعی است که اقدامات نظامی‌اش در چارچوب «دفاع مشروع» انجام گرفته، حال آنکه ایران تأکید دارد هیچ حمله‌ای را آغاز نکرده و خود قربانی تجاوز بوده است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که چگونه جنگ ایران و اسرائیل از منظر حقوق بین‌الملل از نظر مشروعیت، مسئولیت و پیامدها قابل تحلیل و ارزیابی است؟ این پژوهش بر این فرض استوار است که اگر جنگ ایران و اسرائیل مطابق اصول حقوق بین‌الملل از جمله منشور سازمان ملل و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مورد بررسی قرار گیرد، می‌توان سطح مشروعیت اقدامات طرفین، مسئولیت‌های حقوقی آن‌ها و پیامدهای انسانی، سیاسی و اقتصادی ناشی از این درگیری را به‌طور دقیق‌تر شناسایی و تحلیل کرد. هدف پژوهش شناسایی و تحلیل مشروعیت اقدامات ایران و اسرائیل، تعیین مسئولیت‌های حقوقی طرفین، و بررسی پیامدهای انسانی، سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ میان دو طرف بر مبنای اصول حقوق بین‌الملل است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و در قالب نظریه سازه‌نگاری انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نبود نظام مؤثر برای پاسخ‌گویی و اجرای حقوق بین‌الملل، موجب تشدید روندهای غیرقانونی در این منازعه شده و نیاز به تقویت نهادهای نظارتی بین‌المللی بیش از پیش احساس می‌شود.

**واژگان کلیدی:** ایران، اسرائیل، حقوق بین‌الملل، مشروعیت توسل به زور، مسئولیت بین‌المللی

---

\* پژوهشگر و دانشجوی مقطع دکتری تخصصی روابط بین‌الملل

## مقدمه

جنگ ایران و اسرائیل که باحمله هوایی گسترده اسرائیل در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ به تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران آغاز شده و به یک درگیری ۱۲ روزه منجر گردید، یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل حقوق بین‌الملل در دهه اخیر را مطرح کرده است؛ جایی که مفاهیم مشروعیت استفاده از زور، مسئولیت دولتی و پیامدهای جهانی آن در کانون بحث قرار گرفته‌اند. از منظر حقوق بین‌الملل، مشروعیت حمله اسرائیل عمدتاً بر ادعای خوددفاعی پیش‌دستانه براساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، که اجازه دفاع در برابر تهدید قریب‌الوقوع را می‌دهد، استوار است. اسرائیل اقدام خود را پاسخی قانونی به برنامه هسته‌ای ایران و حمایت آن کشور از گروه‌های نیابتی «حزب‌الله و حماس» توجیه کرده است. بسیاری از کارشناسان حقوقی آن را نقض حاکمیت ایران و ممنوعیت استفاده از زور (ماده ۲(۴) منشور) می‌دانند. زیرا شواهد کافی برای تهدید فوری وجود نداشته و حمله بدون مجوز شورای امنیت انجام شده است. در مقابل، ایران پاسخ‌های موشکی خود را به‌عنوان دفاع مشروع توصیف کرد، اما یافته‌ها نشان‌دهنده نقض قوانین بشردوستانه بین‌المللی توسط هر دو طرف، از جمله حملات به اهداف غیرنظامی «زندان اوین، سازمان صداوسیما» در تهران، هستند که ممکن است جنایات جنگی تلقی شوند. در زمینه مسئولیت، براساس پیش‌نویس مقالات مسئولیت دولتی (۲۰۰۱) سازمان ملل، اسرائیل ممکن است مسئول نقض حاکمیت ایران و سوریه (به‌دلیل استفاده از حریم هوایی سوریه) باشد، در حالی که ایران مسئولیت حمایت از حملات نیابتی را برعهده دارد، اما ناکارآمدی شورای امنیت در اعمال تحریم‌ها یا تحقیقات، به‌دلیل وتوی ایالات متحده، شکاف‌های ساختاری در سیستم حقوقی بین‌المللی را برجسته می‌کند. پیامدهای این جنگ فراتر از منطقه است؛ تشدید مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای، بی‌اعتمادی به جامعه جهانی، افزایش بی‌ثباتی خاورمیانه و تضعیف اعتبار حقوق بین‌الملل، در شرایطی که قدرت‌های بزرگ و اسرائیل بدون پیامد جدی عمل می‌کنند، الگویی خطرناک برای درگیری‌های آینده ایجاد کرده و ضرورت اصلاح قوانین جنگ و دفاع مشروع را برجسته می‌سازد.

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن جهت است که با بررسی جنگ ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ از منظر حقوق بین‌الملل، به تحلیل مشروعیت اقدامات نظامی، مسئولیت دولت‌ها و پیامدهای آن برنظم جهانی می‌پردازد. این موضوع به دلیل نقض احتمالی منشور سازمان ملل و قوانین بشردوستانه، ضرورت بازنگری درهنجارهای بین‌المللی را نشان می‌دهد. عدم پاسخگویی می‌تواند اعتبار حقوق بین‌الملل را تضعیف کرده و بی‌ثباتی منطقه‌ای و جهانی را تشدید کند. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و برپایه داده‌هایی (گزارش‌ها، اسناد حقوقی بین‌المللی و منابع علمی) انجام شده و از چارچوب نظریه‌سازه‌نگاری بهره می‌برد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که چگونه جنگ ایران و اسرائیل از منظر حقوق بین‌الملل از نظر مشروعیت، مسئولیت و پیامدها قابل تحلیل و ارزیابی است؟ این نوشتار بر این فرض استوار است که اگر جنگ ایران و اسرائیل مطابق اصول حقوق بین‌الملل از جمله منشور سازمان ملل و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مورد بررسی قرار گیرد، می‌توان سطح مشروعیت اقدامات طرفین، مسئولیت‌های حقوقی آن‌ها و پیامدهای انسانی، سیاسی و اقتصادی ناشی از این درگیری را به‌طور دقیق‌تر شناسایی و تحلیل کرد. این پژوهش در مقایسه با مطالعات داخلی ایران (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۴؛ رضایی، ۱۴۰۴) که بر نقض حاکمیت و جنبه‌های سیاسی تمرکز دارند، تحلیل حقوقی عمیق‌تری از ماده ۵۱ منشور سازمان ملل و قوانین بشردوستانه ارائه می‌دهد. برخلاف مطالعات خارج ایران (اشمیت، ۲۰۲۵) که به صورت جداگانه مشروعیت یا نقض حقوق بین‌الملل را بررسی کرده‌اند، این تحقیق به‌طور یکپارچه مشروعیت، مسئولیت و پیامدها را تحلیل می‌کند.

ساختار این نوشتار در شش مبحث مورد بررسی قرار گرفته که مبحث نخست چارچوب نظری سازه‌نگاری را بررسی می‌کند، در مبحث دوم مشروعیت توسل به زور را تحلیل می‌نماید، و در مبحث سوم به قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی می‌پردازد. مبحث چهارم مسئولیت‌های بین‌المللی دولت‌ها و بازیگران را ارزیابی کرده، و در مبحث پنجم پیامدهای انسانی، سیاسی و اقتصادی جنگ ایران و اسرائیل در پرتو نظام حقوق بین‌الملل بررسی می‌شود. در نهایت، نتیجه‌گیری و فهرست منابع ذکر می‌گردد.

## ۱. چارچوب نظری؛ نظریه‌سازه‌انگاری

سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل، به‌عنوان یک‌رویکرد اجتماعی، براین اصل استواراست که واقعیت‌های سیاسی و بین‌المللی نه طبیعی و ثابت، بلکه ساخته‌شده توسط تعاملات انسانی، ایده‌ها، هویت‌ها و ادراکات مشترک هستند (Wendt, 1999: 73). تاریخچه سازه‌انگاری به دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد، زمانی که پس از پایان جنگ سرد، واقع‌گرایی و لیبرالیسم سنتی را چالش کشید. این نظریه در دهه ۱۹۹۰ با نقد رویکردهای پوزیتیویستی رشد کرد و امروزه در تحلیل مسائل جهانی «تغییرات آب‌وهوایی یا منازعات هویتی» کاربرد دارد. این نظریه، برخلاف واقع‌گرایی که بر قدرت مادی تمرکز دارد، بر نقش ایده‌ها و فرآیندهای شناختی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد چگونه واقعیت‌های بین‌المللی می‌توانند تغییر یابند.

این نظریه تأکید می‌کند که بازیگران دولتی و غیردولتی از طریق فرایندهای اجتماعی، هنجارها و گفتمان‌ها، ساختارهای قدرت و روابط را شکل می‌دهند «مفاهیمی مانند امنیت، حاکمیت و تهدید» نتیجه ساخت اجتماعی هستند نه واقعیت‌های عینی (Onuf, 1989: 52). نیکلاس اونف در کتاب «جهان ساخت ما» (۱۹۸۹) معتقد است که قوانین و نهادها از طریق گفتار و عمل ساخته می‌شوند. الکساندر ونت در مقاله «آنارشی آن‌چه دولت‌ها از آن می‌سازند» (۱۹۹۲) و کتاب «نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل» (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که چگونه هویت‌ها و منافع دولت‌ها وابسته به تعاملات اجتماعی هستند (Zehfuss, 2002: 28). با بررسی جنگ ایران-اسرائیل از دیدگاه سازه‌انگاری می‌توان گفت که این «تهدید» نتیجه ساخت اجتماعی است؛ جایی که هویت ایران به‌عنوان «دولت سرکش» توسط گفتمان مسلط جهانی شکل گرفت؛ در حالی که ایران خود را قربانی تهاجم می‌بیند. سازه‌انگاری نشان می‌دهد که تفسیر قوانین حقوق بین‌الملل از جمله ماده ۵۱ منشور ملل متحد، وابسته به ادراکات مشترک است. برای مثال «حمایت ایالات متحده از اسرائیل» هنجارهایی «حق‌دفاع پیش‌دستانه» را تقویت می‌کند؛ درحالی که انتقادهای بین‌المللی آن را نقض حاکمیت می‌دانند. این رویکرد توضیح می‌دهد چرا شورای امنیت سازمان ملل که خود ساخته

اجتماعی است، در اعمال مسئولیت ناکارآمد عمل نموده و چگونه جنگ برهویت‌های منطقه‌ای تأثیر گذاشته است (Hurd, 2007: 44).

از منظر مشروعیت، سازه‌انگاری استدلال می‌کند که حمله اسرائیل به ایران در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، که منجر به آسیب‌های گسترده به تأسیسات هسته‌ای و غیرنظامی شد، مشروعیت خود را از گفتمان «امنیت جمعی» می‌گیرد، اما بسیاری از کارشناسان حقوقی آن را تهاجم غیرقانونی می‌دانند زیرا فاقد شواهد قریب‌الوقوع حمله ایران بود و این ساخت مشروعیت توسط قدرت‌های غربی، هنجارهای حقوق بین‌الملل را تضعیف می‌کند (Al Jazeera, 2025: 1). در زمینه مسئولیت، این نظریه نشان می‌دهد که مسئولیت دولتی (براساس کنوانسیون ۲۰۰۱ مسئولیت دولت‌ها) نه تنها براساس اعمال مادی، بلکه براساس چگونگی تخصیص تقصیر در گفتمان جهانی است. پیامدهای این جنگ، از دیدگاه سازه‌انگاری، شامل بازسازی هنجارهای جهانی است؛ افزایش بی‌اعتمادی به حقوق بین‌الملل، تشدید بی‌ثباتی در خاورمیانه و تأثیر بر اقتصاد جهانی از طریق نوسانات نفت که همه نتیجه تعاملات اجتماعی و تغییر ادراکات هستند و ممکن است به سمت هنجارهای جدید شامل محدودیت‌های هسته‌ای یا اتحادهای ضد ایرانی منجر شود اما بدون تغییر گفتمان، پیامدهای منفی «جنگ‌های نیابتی» ادامه خواهند یافت (Wendt, 1999: 79).

## ۲. مشروعیت توسل به زور

### ۲-۱. اصل منع توسل به زور در منشور ملل متحد

ضعف جامعه ملل در پیشگیری از وقوع جنگ جهانی دوم سبب شد که پیش از خاتمه این جنگ، طرح تأسیس سازمان جدیدی مطرح شود که دارای قدرت و توان کافی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و پیشگیری از بروز جنگ‌های گسترده بین‌المللی باشد. در سایه نزدیکی و تفاهم ایجاد شده میان قدرت‌های پیروز غربی و اتحاد جماهیر شوروی پس از جنگ جهانی دوم، نظامی جدید برای تأمین امنیت بین‌المللی شکل گرفت و مسئله منع توسل به زور از سال ۱۹۴۵ به بعد بارها مورد تأکید قرار گرفت. منشور ملل متحد در مقدمه هدف اصلی منشور را «محافظة از نسل‌های آینده در برابر خطرات ناشی از جنگ»

اعلام کرده‌است. قاعده منع توسل به زور در منشور ملل متحد هرگونه اقدام زورمندانه در مناسبات بین‌المللی را در بر می‌گیرد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۱۵). با وجود پیش‌بینی سیستم امنیت جمعی در فصل هفتم منشور، این مکانیزم به‌طور نسبی شکست خورد و دولت‌ها دوباره به اعمال حق عکس‌العمل انفرادی در برابر اقدامات غیرقانونی، یا مشارکت در اتحادهای نظامی محدود روی آوردند. حتی خود شورای امنیت نیز در برخی موارد به واگذاری موقت اختیارات خود به نهادها یا کشورهای خاص گرایش یافت. ماده ۲ منشور ملل متحد اصول کلی این سازمان را بیان می‌کند و به صراحت تهدید به زور یا اعمال آن تحت هر شرایطی را به جز در موارد پیش‌بینی شده در فصل هفتم (اقدامات اجرایی جمعی) و ماده ۵۱ (دفاع مشروع) ممنوع اعلام می‌کند (قاسمی و چهاربخش، ۱۳۹۰: ۱۵۲). به عبارت دیگر، پس از جنگ جهانی دوم، توسل به زور - در موارد استثنایی ذکر شده در منشور - به عنوان تجاوز، تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی شناخته شد و رسیدگی به آن جزء مأموریت‌های ذاتی شورای امنیت قرار گرفت.

در جنگ ایران و اسرائیل، اسرائیل با استناد به دفاع مشروع پیش‌دستانه، حملات هوایی گسترده‌ای به تأسیسات هسته‌ای و غیرنظامی ایران انجام داد، اما فقدان شواهد معتبر برای تهدید قریب‌الوقوع ایران، این اقدام را به نقض ماده ۲ (۴) متهم کرد (Gray, 2018: 112). گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان داد که برنامه هسته‌ای ایران فاقد شواهد نظامی‌سازی بود، که ادعای اسرائیل را تضعیف می‌کند. (Wikipedia, 2025: 1) در مقابل، پاسخ موشکی ایران، اگرچه به‌عنوان دفاع مشروع توجیه شد، اما به‌دلیل هدف‌گیری برخی مناطق غیرنظامی «بت‌پام تل‌آویو» ممکن است نقض اصل منع توسل به زور و قوانین بشردوستانه بین‌المللی تلقی شود (Iran International, 2025: 1). ناکارآمدی شورای امنیت به‌دلیل وتوی ایالات متحده، مانع از صدور قطعنامه‌ای برای رسیدگی به این نقض‌ها شده و نشان‌دهنده ضعف سیستم امنیت جمعی مندرج در فصل هفتم است (UN Report, 2025: 23). این جنگ نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در قواعد حقوقی بین‌الملل برای تقویت

اجرای اصل منع توسل به زور و جلوگیری از سوءاستفاده از استثناها، به ویژه دفاع پیش دستانه است که می تواند صلح و امنیت بین المللی را تهدید کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۵۳۷).

## ۲-۲. استثنائات قاعده منع توسل به زور

بر اساس بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، کلیه اعضا موظفند در روابط بین المللی خود از تهدید یا به کارگیری زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور و از هر اقدامی که با اهداف ملل متحد در تضاد باشد، خودداری کنند. این اصل پس از تصویب منشور نیز بارها مورد تأیید قرار گرفته است (مختاری، ۱۳۸۷: ۴).

**۱. دفاع مشروع:** اولین استثنای ممنوعیت کلی توسل به زور در روابط بین الملل، حق ذاتی دفاع مشروع است. این استثنا در ماده ۵۱ منشور ملل متحد چنین تصریح شده است: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یکی از اعضای سازمان ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین المللی اتخاذ کند، حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی محفوظ است». علاوه بر وقوع حمله مسلحانه، دفاع مشروع برای حفظ نظم بین المللی و جلوگیری از اختلال ناشی از استفاده غیرقانونی از زور، به دو شرط اساسی «ضرورت» و «تناسب» مقید شده است. ضرورت در حقوق کیفری به معنای آن است که مدافع در شرایط پیش آمده، گزینه دیگری برای دفع تهدید نداشته باشد. بنابراین، اگر مدافع بتواند خطر را به طریق دیگری غیر از ارتکاب جرم دفع کند و با این حال به زور متوسل شود، دفاع او مشروع نخواهد بود. شرط تناسب نیز مستلزم آن است که بین میزان صدمه ناشی از تعرض و صدمه ای که برای جلوگیری از آن لازم است، ارتباط منطقی و متناسب برقرار باشد.

پاسخ ایران با عملیات «وعده صادق»، شامل شلیک موشک بالستیک و پهپاد به اهداف نظامی اسرائیل، به عنوان دفاع مشروع در برابر حمله اولیه توجیه شد. اما اصابت برخی موشک ها به مناطق غیرنظامی ممکن است شرط تناسب را نقض کرده باشد. تفسیر مضیق ماده ۵۱، که دفاع مشروع را به حمله مسلحانه واقعی یا قریب الوقوع محدود می کند، ادعای دفاع پیش دستانه اسرائیل را با چالش مواجه می کند. زیرا فقدان شواهد محکم، این اقدام را به نقض ماده ۲(۴) منشور نزدیک می کند (Iwanek, 2009: 18). دفاع پیش دستانه همچنان

در حقوق بین‌الملل محل بحث است؛ زیرا برخی حقوق‌دانان از جمله کریستین گری، تأکید می‌کنند که بدون شواهد معتبر، چنین اقداماتی غیرقانونی هستند (Gray, 2018: 112). این جنگ، با نقض حاکمیت ایران و سوریه (به دلیل استفاده اسرائیل از حریم هوایی سوریه)، ضرورت بازنگری در تفسیر دفاع مشروع و تقویت سازوکارهای شورای امنیت را نشان می‌دهد تا از سوءاستفاده از این استثنا جلوگیری شود (Buzan, 2004: 89).

**۲. دفاع مشروع پیش‌دستانه:** بنیان سازمان ملل متحد با در نظر گرفتن تجربه میثاق جامعه ملل و ضعف‌های ساختاری و قانونی آن، که تحت شرایط خاص به برخی کشورها اجازه توسل به جنگ را می‌داد، بر آن شدند تا کاربرد یک‌جانبه زور در روابط بین‌الملل را به‌طور کلی ممنوع سازند. براساس منشور ملل متحد، کشورها حق استفاده از زور در روابط خارجی خود را ندارند و بر این قاعده آمره، تنها دو استثنا وارد شده است:

۱. امنیت جمعی مبتنی بر اصول ۳۹ تا ۴۲ منشور، که از طریق صدور قطعنامه‌های لازم‌الاجرا اقدام جمعی توسط سازمان ملل متحد امکان‌پذیر است.
۲. حق ذاتی دفاع از خود مبتنی بر اصل ۵۱، که در پاسخ به یک تهاجم مسلحانه توسط کشور قربانی اعمال می‌شود.

دفاع مشروع پیش‌دستانه، به‌عنوان مفهومی مناقشه‌برانگیز در حقوق بین‌الملل، در جنگ ایران و اسرائیل به‌طور برجسته مطرح شد. اسرائیل حملات هوایی خود در ۱۳ ژوئن به تأسیسات هسته‌ای ایران را با استناد به دفاع پیش‌دستانه توجیه کرد؛ با ادعای وجود تهدید قریب‌الوقوع از برنامه هسته‌ای ایران که می‌توانست تا ۱۵ سلاح هسته‌ای تولید کند (Wikipedia, 2025: 1). با این حال، ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد دفاع مشروع را به حمله مسلحانه واقعی یا قریب‌الوقوع محدود می‌کند و هیچ اشاره‌ای به دفاع پیش‌دستانه در برابر تهدیدات بالقوه «توسعه تسلیحات» ندارد (Gray, 2018: 112). گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهارات رافائل گروسی مبنی بر فقدان شواهد نظامی سازی برنامه هسته‌ای ایران، ادعای اسرائیل را تضعیف می‌کند و این اقدام را به نقض ماده ۲(۴) منشور، که تهدید یا استفاده از زور را ممنوع می‌کند، نزدیک می‌سازد (RFI, 2025). برخی دولت‌ها

از جمله اسرائیل و ایالات متحده، با استناد به حقوق عرفی پیش از منشور یا نمونه‌هایی «تهاجم به عراق، ۲۰۰۳» دفاع پیش‌دستانه را در برابر تهدیدات سلاح‌های کشتار جمعی مشروع می‌دانند. به‌ویژه در دورانی که حمله ناگهانی می‌تواند فاجعه‌بار باشد (Iwanek, 2009: 18). حقوق‌دانانی از قبیل «کریستین گری» تأکید دارند که دفاع پیش‌دستانه بدون شواهد محکم از تهدید فوری، غیرقانونی است و نظم بین‌المللی را تضعیف می‌کند (Gray, 2018: 112). در این جنگ، حملات اسرائیل به غیرنظامیان در «کرج و تهران» نقض شروط ضرورت و تناسب بود. زیرا گزینه‌های دیپلماتیک «مذاکرات برجام» همچنان قابل اجرا بودند (Amnesty International, 2025: 1). پاسخ نظامی ایران اگرچه به‌عنوان دفاع مشروع مطرح شد، اما به‌دلیل اصابت به مناطق غیرنظامی ممکن است از چارچوب دفاع مشروع خارج شود. ناکارآمدی شورای امنیت به‌دلیل وتوی ایالات متحده که مانع از صدور قطعنامه برای رسیدگی به این نقض‌ها شد، ضعف سیستم امنیت جمعی مندرج در فصل هفتم را نشان داد (UN Report, 2025: 23). این درگیری، با نقض حاکمیت ایران و سوریه (به‌دلیل استفاده اسرائیل از حریم هوایی سوریه)، ضرورت بازنگری در تفسیر دفاع پیش‌دستانه را برجسته می‌کند. فقدان تعریف روشن از حدود دفاع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل و سوءاستفاده از آن خطر بی‌ثباتی منطقه‌ای و کاهش اعتبار رژیم منع اشاعه را افزایش داده و نیاز به تدوین قواعد حقوقی دقیق‌تر را آشکار می‌سازد.

**۳. دفاع مشروع پیشگیرانه:** یکی از تحولات مفهومی مهم در حوزه حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل که اصل دفاع مشروع را مورد بازنگری و تفسیر گسترده قرار داده، ظهور مفهوم «دفاع پیشگیرانه» است. دفاع پیشگیرانه به اقداماتی اطلاق می‌شود که در آن یک دولت، برای سرکوب هرگونه احتمال حمله آتی توسط دولت دیگر، بدون آن‌که حمله‌ای بالفعل رخ داده باشد، به استناد حق دفاع از خود، به زور متوسل می‌شود (Gray, 2002: 45). در حالی که دفاع پیش‌دستانه طبق مجوز شورای امنیت و حقوق بین‌الملل عرفی، امری مشروع و قانونی محسوب می‌شود و در چارچوب دفاع مشروع گنجانده می‌شود، دفاع پیشگیرانه، که گاه به آن «جنگ پیشگیرانه» نیز گفته می‌شود، از نظر بسیاری از حقوق‌دانان بین‌المللی،

امری غیرقانونی و نامشروع است (میوه‌بان، ۱۳۹۷: ۲۲۵). نمونه‌ای از مخالفت جامعه بین‌المللی با دفاع پیشگیرانه، موضع‌گیری شورای امنیت در قبال حمله اسرائیل به رآکتور هسته‌ای «اسیریک» عراق در سال ۱۹۸۱ است. اسرائیل این حمله را به‌عنوان دفاع پیشگیرانه علیه تهدید هسته‌ای رژیم عراق توجیه کرد اما شورای امنیت آن را صریحاً مغایر با منشور سازمان ملل و قواعد بین‌المللی دانست. در مقابل، ایالات متحده و متحدانش حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ را تحت‌عنوان دفاع مشروع پیشگیرانه وبدون مجوز صریح شورای امنیت توجیه کردند. آن‌ها استدلال کردند که رژیم عراق با داشتن سلاح‌های کشتار جمعی ممکن است در آینده از این سلاح‌ها برای حمایت از تروریست‌ها و حمله به ایالات متحده استفاده کند؛ بنابراین اقدام پیشگیرانه لازم است (جلالی و رضایی، ۱۳۹۷: ۶۹۸).

دفاع مشروع پیشگیرانه، در جنگ ایران و اسرائیل به‌طور جدی مطرح شد. اسرائیل حملات هوایی خود در ۱۳ ژوئن به تأسیسات هسته‌ای ایران را با ادعای دفاع پیشگیرانه با این استدلال که برنامه هسته‌ای ایران، که می‌توانست تا ۱۵ سلاح هسته‌ای تولید کند، تهدیدی بالقوه برای امنیت اسرائیل بود (Wikipedia, 2025: 1). دفاع پیشگیرانه، برخلاف دفاع پیش‌دستانه که به تهدید قریب‌الوقوع وابسته است، به‌دلیل فقدان حمله مسلحانه واقعی یا شواهد معتبر، از سوی بسیاری از حقوق‌دانان غیرقانونی تلقی می‌شود. زیرا نقض ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل است که هرگونه استفاده یا تهدید به زور را ممنوع می‌کند (میوه‌بان، ۱۳۹۷: ۲۲۵). گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر نبود شواهد نظامی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران، مشابه محکومیت حمله اسرائیل به رآکتور اسیریک عراق در ۱۹۸۱ توسط شورای امنیت، مشروعیت ادعای اسرائیل را تضعیف می‌کند (UN Report, 2025: 23). ایالات متحده با حمایت از حملات اسرائیل، استدلال مشابه تهاجم به عراق در ۲۰۰۳ را مطرح کرد که بدون مجوز شورای امنیت و با ادعای جلوگیری از تهدیدات آینده سلاح‌های کشتار جمعی انجام شد (Roberis, 2003: 32). این رویکرد، که در سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۰۲ ایالات متحده و قانون آزادی عراق ۱۹۹۸ ریشه دارد، دفاع پیشگیرانه را برای مقابله با تهدیدات بالقوه، از جمله تروریسم، توجیه می‌کند (جلالی و رضایی، ۱۳۹۷: ۶۹۸). این

درگیری، مشابه تهاجم به عراق (۲۰۰۳)، نشان‌دهنده سوءاستفاده از مفهوم دفاع پیشگیرانه برای توجیه اقدامات یک‌جانبه بدون مجوز شورای امنیت است، که ناکارآمدی این نهاد به دلیل وتوی ایالات متحده را برجسته می‌کند (جلالی و رضائی، ۱۳۹۷: ۶۹۸).

**۴. مجوز شورای امنیت:** از میان ارکان سازمان ملل متحد، شورای امنیت جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا طبق منشور، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی برعهده آن نهاد شده است. این شورا که پس از جنگ جهانی دوم برای پیشگیری از وقوع جنگی دیگر شکل گرفت (Malone, 2005: 5)، پس از پایان جنگ سرد با تفسیر موسع از مفاهیم صلح و امنیت بین‌المللی، نقش فعال‌تری در مسائل جهانی ایفا کرده است (سادات میدانی، ۱۳۹۰: ۸). در این دوره، نقض گسترده حقوق بشر، بحران‌های انسانی و حتی جنگ‌های داخلی، براساس ماده ۳۹ فصل هفتم منشور، تهدیدی علیه صلح تلقی شده و شورا با تصمیمات خود محدودیت ماده ۲ (۷) منشور درباره منع مداخله در امور داخلی دولت‌ها را کمرنگ ساخته است. نمونه‌هایی از این مداخلات شامل شمال عراق (۱۹۹۱)، یوگسلاوی سابق (۱۹۹۲)، سومالی (۱۹۹۲-۱۹۹۳)، لیبیا (۱۹۹۰-۱۹۹۷)، رواندا (۱۹۹۴-۱۹۹۶)، هائیتی (۱۹۹۴-۱۹۹۷)، تیمور شرقی (۱۹۹۹)، کوزوو (۱۹۹۹) و نیز بحران‌های لیبی و یمن (۲۰۱۱) است که بیانگر گسترش نقش شورا در تعیین حاکمیت کشورها و مشروعیت بخشی به اقدامات قهری می‌باشد.

مجوز شورا برای توسل به زور اغلب برپایه محکومیت یک دولت و تلقی آن به عنوان تهدید علیه صلح تفسیر می‌شود. با این حال، چنین استنتاجی همواره قطعی نیست؛ زیرا منشور تصریح دارد که شورا نخست باید وجود تهدید واقعی علیه صلح را احراز و سپس اثبات کند که راهکارهای صلح‌آمیز ناکام مانده‌اند. در بحران‌هایی مانند عراق و کوزوو در سال ۱۹۹۸، شورا تهدید علیه صلح را اعلام کرد اما اقدام نظامی را تأیید نکرد. این امر نشان می‌دهد که تصویب صریح شورا در مشروعیت بخشی به استفاده از زور اهمیت اساسی دارد و اصل منع توسل یک‌جانبه به زور را تقویت می‌کند. تجربه‌های تاریخی نیز اثبات کرده‌اند که رجوع به راهکارهای صلح‌آمیز پیش از اقدام نظامی مؤثرتر است و مانع از سوءاستفاده قدرت‌های بزرگ برای توجیه عملیات یک‌جانبه می‌شود. به نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، دولت‌های

در معرض تهدید پیش از مداخله نظامی باید از ابزارهای پیشگیرانه غیرمسلحانه و ارجاع به شورای امنیت یا سازمان‌های منطقه‌ای استفاده کنند (سادات میدانی، ۱۳۹۰: ۸). هم‌چنین، دبیرکل وقت سازمان ملل، کوفی عنان، تأکید کرده بود که شورا می‌تواند با بهره‌گیری از ماده ۳۹ منشور، در شرایط اضطراری به اقدامات پیشگیرانه متوسل شود و مانع بروز بحران گردد.

در جنگ ایران و اسرائیل نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در مشروعیت‌بخشی به توسل به زور، به دلیل فقدان مجوز صریح، مورد مناقشه است. اسرائیل حملات خود به تأسیسات هسته‌ای و غیرنظامی ایران را به عنوان دفاع پیش‌دستانه توجیه کرد، اما شورای امنیت، در جلسه اضطراری ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، این اقدام را تأیید نکرد و چندین عضو، از جمله روسیه و چین، آن را نقض ماده ۲(۴) منشور و تهدید علیه صلح دانستند. ماده ۳۹ فصل هفتم منشور، شورای امنیت را ملزم می‌کند که ابتدا وجود تهدید علیه صلح را احراز کرده و سپس ناکامی راهکارهای صلح‌آمیز را تأیید کند (سادات میدانی، ۱۳۹۰: ۸). گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر نبود شواهد نظامی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران، ادعای اسرائیل را تضعیف کرده و نشان داد که راهکارهای دیپلماتیک «مذاکرات در عمان» همچنان امکان‌پذیر بودند. وتوی ایالات متحده مانع از صدور قطعنامه‌ای برای محکومیت حملات اسرائیل و برقراری آتش‌بس شد، که این امر ناکارآمدی شورای امنیت در اجرای مسئولیت حفظ صلح را برجسته کرد. پاسخ ایران با عملیات «عده صادق ۳» شامل حملات موشکی به اسرائیل، نیز بدون مجوز شورا انجام شد و به دلیل اصابت به اهداف غیرنظامی، نقض قوانین بشردوستانه تلقی شد (Amnesty International, 2025). این درگیری، مشابه موارد تاریخی عراق (۱۹۹۸) و کوزوو (۱۹۹۹)، نشان‌دهنده ضعف شورا در جلوگیری از اقدامات یک‌جانبه است، زیرا فقدان اجماع و سوءاستفاده از سکوت شورا، به توجیه اقدامات غیرقانونی منجر شد (Malone, 2005: 5).

### ۳. قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی

#### ۳-۱. اصل تفکیک میان غیرنظامیان و اهداف نظامی

بر اساس اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، هرگونه عملیات نظامی باید سه قاعده محوری را رعایت

کند: نخست، اصل تفکیک<sup>۱</sup> که طرفین مخاصمه را ملزم می‌سازد میان غیرنظامیان و اهداف نظامی تمایز قائل شوند؛ دوم، اصل تناسب<sup>۲</sup> که تصریح می‌کند خسارات ناخواسته به غیرنظامیان نباید بیش از مزیت نظامی مورد انتظار باشد؛ و سوم، اصل احتیاط<sup>۳</sup> که دولت‌ها را موظف می‌کند تمامی اقدامات ممکن را برای کاهش آسیب به افراد غیرنظامی و اموال آنان اتخاذ کنند (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 1). این سه اصل، ستون‌های بنیادین نظام حقوق بشردوستانه‌اند و نقض آن‌ها می‌تواند مصداق بارز جنایت جنگی تلقی گردد. در جریان جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل، گزارش‌های اولیه سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهد که چندین حمله هوایی اسرائیل به مناطق مسکونی در تهران، کرج و اصفهان... منجر به مرگ زنان و کودکان غیرنظامی شده است. براساس گزارش سازمان حقوق بشر ایران (HRANA)، در مجموع ۶۳۹ نفر در حملات هوایی اسرائیل به ایران کشته شدند که از این تعداد، ۲۶۳ نفر غیرنظامی بودند. این حملات هم‌چنین منجر به زخمی شدن بیش از ۱۳۰۰ نفر شد. چنین حملاتی با اصل تفکیک مغایرت آشکار دارد، زیرا مناطق غیرنظامی، حتی در صورت مجاورت با اهداف نظامی، نباید به طور مستقیم مورد حمله قرار گیرند (Sassòli, 2019: 1). همچنین، بمباران زیرساخت‌های غیرنظامی از جمله شبکه آبرسانی و برق شهری و مراکز درمانی که فاقد کاربرد مستقیم نظامی‌اند، مصداق بارز نقض این قاعده است.

---

<sup>1</sup> distinction

<sup>2</sup> proportionality

<sup>3</sup> precaution

جدول ۱: حملات اسرائیل به ایران

شماره	شهر / منطقه	مکان‌ها
۱	تأسیسات هسته‌ای و مرتبط	تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم: تأسیسات هسته‌ای نظنز در اصفهان، سایت زیرزمینی فردو در قم، مرکز تحقیقات هسته‌ای اصفهان، تأسیسات آب سنگین در اراک سعادت آباد میدان کتاب مجتمع استادان سرو (محل اقامت محمد مهدی طهرانچی)
۲	زیرساخت‌های دفاع هوایی و موشکی	خطوط پدافند هوایی و رادارهای نظامی: مرکز فرماندهی راداری غدیر در غرب تهران، سایت راداری سوباشی همدان (از مهم‌ترین سایت‌های راداری ایران)، سایت و پایگاه‌های موشکی شاهرود / سامانه‌های برداشت و پرتاب موشک سطح‌به‌سطح: تأسیسات موشکی شهاب، دزفول، سجیل در کرمانشاه، تبریز، اصفهان و اطراف تهران / پایگاه‌ها و باندهای پروازی: پایگاه‌های هوایی دزفول، همدان، مشهد، تبریز، مهرآباد تهران و چند پایگاه دیگر و هدف قراردادن باندها و جنگنده‌های نیروی هوایی ایران
۳	سایر شهرها و مکان‌های حساس	خنداب، همدان، قصر شیرین، پیرانشهر، ایلام، زنندیه، خمین، بروجرد، خرم‌آباد (کارخانه فردا موتورز)، (اقتصاد آنلاین، ۱۴۰۴) اهواز، دزفول، اندیمشک، آبادان، کرمانشاه، کنگاور، گرمدره، فردیس، نظرآباد، مهرشهر (اقتصاد آنلاین، ۱۴۰۴)، ماهدشت، قم
۴	اهداف فناوری و صنعتی نظامی	صنایع الکترونیک شیراز و تجهیزات راداری، کارخانه هسا (هوایم‌سازی) و (هجومی پشتیبانی بالگرد) در تهران، کارخانه مهمات‌سازی در اصفهان
۵	سایر اهداف در تهران	خنداب، همدان، قصر شیرین، پیرانشهر، ایلام، زنندیه، خمین، بروجرد، خرم‌آباد (کارخانه فردا موتورز) (قادرمیهنی، ۲۰۲۵: ۱)

		اهواز، دزفول، اندیمشک، آبادان، کرمانشاه، کنگاور، گرمدره، فردیس، نظرآباد، مهرشهر (اقتصاد آنلاین، ۱۴۰۴) ماهدشت، قم
۶	<b>اهداف نظامی و فرماندهی</b>	فرمانده کل سپاه پاسداران، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، جانشین و فرماندهان سپاه و بخش اطلاعات سپاه (خیابان صابونچی تهران) و نیروی موشکی، مقرهای فرماندهی سپاه پاسداران و نیروی قدس، ستاد کل سپاه پاسداران، ستاد نیروی قدس و بسیج، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ساختمان پلیس فتا، قرارگاه ثارالله، کامرانیه (محل اقامت علی شمخانی)، لویزان در تهران
۷	<b>سایر اهداف در تهران</b>	قیطریه، نیاوران، میدان قدس تجریش، شهرک شهید محلاتی، نوبنیاد (شهرک شهید چمران)، نارمک، اندرزگو، ستارخان (مجتمع ارکید)، شهرک شهید دقایقی، ازگل، شهرآرا، مرزداران، اطراف دریاچه چیتگر
۸	<b>اهداف غیرنظامی و نمادین</b>	محل‌های مسکونی و ساختمان‌های غیرنظامی: برج مسکونی ۱۴ طبقه نزدیک میدان نوبنیاد، برج (One Holding) در شمال تهران، زندان اوین در شمال تهران، سازمان صداوسیما (ساختمان شیشه‌ای)
۹	<b>زیرساخت‌های انرژی</b>	مخازن سوخت و پالایشگاه‌ها: انبار نفت شهران (شمال تهران)، پالایشگاه شهری (جنوب تهران)

منبع (یافته‌های تحقیق)

در این زمینه، اصل تناسب در حقوق بشردوستانه بین‌المللی ایجاب می‌کند که حتی در صورت هدف‌گیری اهداف نظامی، حملاتی که منجر به تلفات غیرنظامیان، به‌ویژه زنان و کودکان، و تخریب گسترده زیرساخت‌های غیرنظامی می‌شود، باید مورد بازبینی و ارزیابی دقیق قرار گیرد. چنین اقداماتی ممکن است با اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی، از جمله اصل تفکیک و اصل تناسب، مغایرت داشته باشد. این اطلاعات نشان‌دهنده ابعاد انسانی و انسانی‌محور جنگ ایران و اسرائیل است که فراتر از مسائل نظامی، تأثیرات عمیقی بر زندگی غیرنظامیان و ساختار اجتماعی و اقتصادی مناطق درگیر داشته است (ICRC).

1, 2025). براساس رویه دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده‌های مشابه (ICC, 2016: 1)، خسارات انسانی هنگفت در برابر مزیت نظامی محدود، حمله را غیرقانونی و در زمره جنایات جنگی قرار می‌دهد. در این جنگ، استفاده از موشک‌های دوربرد و پهپادهای مسلح بدون اطمینان از دقت هدف‌گیری، نقض آشکار اصل تفکیک محسوب می‌شود. این وقایع نه تنها نقض صریح حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند، بلکه براساس ماده ۸ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸)، می‌توانند به عنوان جنایت جنگی تحت پیگرد قرار گیرند. افزون بر آن، حمله به غیرنظامیان و زیرساخت‌های حیاتی، برخلاف ماده ۲(۴) منشور ملل متحد است که توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت‌ها را منع می‌کند. بنابراین، حملات اسرائیل در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵ را می‌توان نمونه‌ای بارز از نقض هم‌زمان حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل عمومی دانست که نیازمند اقدام جدی شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی برای پاسخگویی و پیشگیری از تکرار آن است (Akande & Gillard, 2025: 1).

### ۳-۲. اصل تناسب و ضرورت نظامی

اصل تناسب و ضرورت نظامی<sup>۱</sup> دو قاعده بنیادین در حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند که در کنار اصل تفکیک، چارچوب قانونی عملیات نظامی را مشخص می‌کنند. براساس کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، ضرورت نظامی به طرفین محاصمه اجازه می‌دهد اقداماتی را انجام دهند که برای دستیابی به یک مزیت نظامی قطعی و فوری ضرورت دارد. با این حال، این اصل مطلق نیست و باید در توازن با اصل تناسب قرار گیرد. اصل تناسب تصریح می‌کند که حتی در صورت وجود یک هدف نظامی مشروع، میزان آسیب به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی نباید بیش از مزیت نظامی مورد انتظار باشد (ICRC, 1987: 2). بنابراین، این دو اصل در تعامل با یکدیگر مانع از آن می‌شوند که دولت‌ها به بهانه ضرورت نظامی، حملات نامتناسب و ویرانگر علیه غیرنظامیان انجام دهند. در جنگ ایران و اسرائیل در سال ۲۰۲۵، نمونه‌های متعددی از چالش در رعایت این اصول مشاهده شد.

<sup>1</sup> Military Necessity

حملات هوایی اسرائیل به مناطقی در استان‌های (ولایات) مختلف (تهران، کرج و اصفهان...) با هدف ادعایی نابودی انبارهای موشکی ایران صورت گرفت. با این حال، گزارش‌های اولیه نشان داد که این حملات منجر به مرگ دست‌کم چندین زن و کودک و تخریب گسترده مناطق مسکونی شد (الجزیره، ۲۰۲۵: ۱). در چنین شرایطی، اگرچه ضرورت نظامی ممکن است نابودی یک هدف نظامی مشروع را توجیه کند، اما شدت و گستردگی خسارات انسانی فراتر از مزیت نظامی مورد انتظار است و در نتیجه حمله با اصل تناسب سازگار نیست (Sassòli, 2025: 1).

اصل تناسب و ضرورت نظامی همچنین با اصل احتیاط در حمله ارتباطی مستقیم دارند. طرفین درگیر موظف‌اند در انتخاب ابزار و روش‌های جنگی نهایت دقت را به خرج دهند تا آسیب به غیرنظامیان به حداقل برسد. استفاده از موشک‌های دوربرد یا پهپادهای مسلح در مناطق پرجمعیت بدون اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، نقض آشکار این الزامات است. بر همین اساس، دیوان کیفری بین‌المللی در رویه‌های قضایی خود تأکید کرده است که حملات گسترده و کورکورانه علیه مناطق غیرنظامی — اگر در نزدیکی اهداف نظامی باشد — مصداق جنایت جنگی محسوب می‌شود (ICC, 2025: 1). در جنگ ایران و اسرائیل، فقدان تمایز کافی میان اهداف نظامی و غیرنظامی و بی‌توجهی به قاعده تناسب، حملات اسرائیل را در معرض ارزیابی به عنوان جنایات جنگی قرار می‌دهد. بررسی جنگ دوازده روزه ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که اصل تناسب و ضرورت نظامی تنها در صورتی مشروعیت بخش اقدامات نظامی خواهند بود که با رعایت کامل سایر اصول حقوق بشردوستانه همراه شوند. توجیه حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی «بیمارستان‌ها یا شبکه‌های آب و برق» حتی به بهانه قطع پشتیبانی لجستیکی، مغایر با قواعد بین‌المللی است؛ زیرا چنین اقداماتی نه ضرورت نظامی واقعی را نشان می‌دهد و نه با تناسب سازگار است (Akande & Gillard, 2025: 1). حملات اسرائیل که به مرگ غیرنظامیان منجر شده است، علاوه بر نقض ماده ۲(۴) منشور ملل متحد، مصداق روشن جنایت جنگی طبق ماده ۸ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی به شمار می‌رود.

### ۳-۳. اصل احتیاط و وظایف جامعه جهانی

اصل احتیاط<sup>۱</sup> یکی از قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که در ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو مورد تصریح قرار گرفته است. براساس این اصل، طرفین مخاصمه موظف‌اند در کلیه مراحل عملیات نظامی—از برنامه‌ریزی تا اجرا—تمامی تدابیر لازم را برای کاهش تلفات غیرنظامیان و خسارات به اموال غیرنظامی اتخاذ کنند. این تدابیر شامل انتخاب ابزار و روش‌های جنگی با دقت بیشتر، هشدار قبلی به غیرنظامیان در صورت امکان، و اجتناب از حملات کورکورانه یا در مناطقی با تراکم جمعیتی بالاست (ICRC, 2025: 15). بنابراین، اصل احتیاط فراتر از یک قاعده اخلاقی بوده و به‌عنوان یک تعهد حقوقی الزام‌آور بردوش دولت‌ها قرار دارد. در جنگ ایران و اسرائیل در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵، گزارش‌ها حاکی از آن است که در برخی حملات هوایی اسرائیل هیچ‌گونه هشدار قبلی به ساکنان مناطق مسکونی داده نشد و همین امر موجب شد زنان و کودکان در منازل خود جان ببازند؛ هرچند در روزهای اخیر درگیری، در برخی مناطق اقداماتی برای هشداردهی پیش از حمله صورت گرفته است. چنین اقداماتی نقض آشکار اصل احتیاط محسوب می‌شود، زیرا امکان اتخاذ تدابیر پیشگیرانه برای کاهش خسارت انسانی وجود داشته است. هم‌چنین، استفاده از موشک‌های دوربرد در مناطق پرجمعیت بدون اطمینان کافی از دقت هدف‌گیری، نشان‌دهنده فقدان اقدامات احتیاطی لازم است (Sassòli, 2025: 13). در مقابل، ایران نیز در پرتاب موشک‌های بالستیک به سمت تل‌آویو موظف بود از ابزار و روش‌هایی استفاده کند که کم‌ترین احتمال خسارت به غیرنظامیان را داشته باشد؛ عدم رعایت این موارد نیز می‌تواند مورد بررسی حقوقی قرار گیرد.

وظایف جامعه جهانی در این زمینه بسیار مهم است. ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ تصریح می‌کند که دولت‌ها نه تنها باید خود به تعهدات حقوق بشردوستانه پایبند باشند، بلکه موظف به تضمین احترام دیگران به این تعهدات نیز هستند. این اصل، مسئولیتی جمعی برای جامعه جهانی ایجاد می‌کند تا در برابر نقض قواعدی چون احتیاط، سکوت

<sup>1</sup> Precaution

نکند و از ابزارهای دیپلماتیک، حقوقی و حتی تحریمی برای مهار تجاوز و حمایت از غیرنظامیان استفاده کند (Geneva Conventions, 1949, Common Article 1).

در سطح عملی، شورای امنیت سازمان ملل و دیوان کیفری بین‌المللی دو نهاد کلیدی برای تضمین رعایت اصل احتیاط محسوب می‌شوند. شورای امنیت می‌تواند با تصویب قطعنامه‌های الزام‌آور، طرفین درگیر را به رعایت تدابیر احتیاطی ملزم سازد و در صورت لزوم اقدامات اجرایی اتخاذ کند. از سوی دیگر، دیوان کیفری بین‌المللی براساس ماده ۸ اساسنامه رم صلاحیت دارد افرادی را که عمداً یا در نتیجه بی‌توجهی جدی، حملات فاقد احتیاط کافی را انجام داده‌اند، تحت تعقیب قرار دهد (ICC, 2025: 15). بنابراین، اصل احتیاط نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌المللی مستلزم اقدام مشترک جامعه جهانی است تا از تکرار فجایع انسانی مشابه جنگ ایران و اسرائیل جلوگیری شود.

#### ۴. مسئولیت بین‌المللی و پیامدهای حقوقی

##### ۴-۱. مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بین‌الملل

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها یکی از مفاهیم بنیادین حقوق بین‌الملل است که ریشه در اصل کلی مسئولیت ناشی از رفتار غیرقانونی دارد. براساس پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱، هرگونه فعل یا ترک فعل منتسب به دولت که ناقض یک تعهد بین‌المللی باشد، موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌گردد (ILC, 2001: 1). این مسئولیت ماهیتی عینی دارد و مستقل از قصد یا نیت دولت اعمال می‌شود. به بیان دیگر، کافی است یک دولت تعهدات خود در قبال حقوق بین‌الملل—از جمله تعهدات ناشی از منشور ملل متحد، معاهدات بین‌المللی یا قواعد آمره<sup>۱</sup>—را نقض کند تا مسئولیت آن محقق شود. مهم‌ترین پیامد تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت، الزام به جبران خسارت است. جبران می‌تواند به شکل اعاده وضعیت سابق<sup>۲</sup>، پرداخت غرامت<sup>۳</sup>، یا رضایت خاطر<sup>۴</sup> باشد. افزون

<sup>1</sup> jus cogens

<sup>2</sup> restitution

<sup>3</sup> compensation

<sup>4</sup> satisfaction

برآن، دولت متخلف باید فوراً به رفتار غیرقانونی پایان دهد و تضمین‌های لازم برای عدم تکرار آن ارائه نماید (Crawford, 2013: 1). در مواردی که نقض حقوق بین‌الملل از سوی یک دولت جنبه گسترده و سیستماتیک داشته باشد—جنایات جنگی یا جنایت علیه بشریت—جامعه جهانی می‌تواند علاوه بر پیگیری‌های دیپلماتیک و قضایی، از اقدامات قهری جمعی نیز استفاده کند.

مسئولیت دولت‌ها در حوزه حقوق بشردوستانه بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد. برای نمونه، در جنگ ایران و اسرائیل در سال ۲۰۲۵، حملات نظامی اسرائیل به مناطق مسکونی منجر به کشته‌شدن غیرنظامیان شده است، این امر نقض آشکار قواعد آمره حقوق بشردوستانه بین‌المللی از جمله اصول تفکیک، تناسب و احتیاط محسوب می‌شود. چنین نقضی نه تنها مسئولیت کیفری فردی فرماندهان نظامی و رهبران سیاسی را در برابر دیوان کیفری بین‌المللی برمی‌انگیزد، بلکه مسئولیت بین‌المللی دولت اسرائیل را نیز در سطح کلان ایجاد می‌کند. بر همین اساس، دولت متضرر (ایران) می‌تواند در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه اسرائیل طرح دعوی کند و درخواست جبران خسارت نماید (Shaw, 2025: 1).

از منظر جامعه جهانی، ماده ۴۱ پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل تأکید می‌کند که در صورت نقض فاحش تعهدات ناشی از قواعد آمره، تمامی دولت‌ها موظف‌اند نه تنها آن نقض را به رسمیت نشناسند، بلکه در جهت پایان دادن به آن همکاری کنند (ILC, 2001: 5). این قاعده، مسئولیتی جمعی برای دولت‌ها ایجاد می‌کند تا در برابر تجاوز، اشغال غیرقانونی یا حملات نامشروع سکوت نکنند. بنابراین، نقض گسترده حقوق بین‌الملل در جنگ‌های معاصر—جنگ ایران و اسرائیل—نه فقط مسئولیت دولت متخلف، بلکه وظایف ویژه‌ای را برای سایر دولت‌ها در حمایت از نظام حقوقی بین‌الملل به همراه دارد.

## ۴-۲. مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در قبال نقض حقوق بین‌الملل

در پی جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵، یکی از پیامدهای حقوقی مهم این درگیری، به چالش کشیده شدن مشروعیت و کارآمدی نظام حقوق بین‌الملل بود. حملات گسترده اسرائیل به مناطق غیرنظامی ایران، از جمله بمباران بیمارستان‌ها، مراکز

درمانی، صداوسیما، تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز تحت پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و زیرساخت‌های حیاتی، نقض آشکار اصول حقوق بشردوستانه و حقوق بشر بین‌الملل محسوب می‌شود. این اقدامات نه تنها مصداق جنایت جنگی، جنایت تجاوز و جنایت علیه بشریت است، بلکه نشان‌دهنده ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی در حفظ صلح و امنیت جهانی است (ایروانی، ۱۴۰۴: ۱). در این زمینه، شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌عنوان مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، واکنش ضعیف و دوگانه‌ای نشان داد که موجب تضعیف مشروعیت این نهاد و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل شد. این ناکامی‌ها باعث شد تا فاصله‌ای چشمگیر میان قواعد مکتوب حقوقی و واقعیت‌های سیاسی و جیوپلیتیکی ایجاد شود، که بر کارآمدی و اعتبار نظام حقوق بین‌الملل تأثیر منفی گذاشت. بنابراین، این جنگ نه تنها به نقض حقوق غیرنظامیان و زیرساخت‌های حیاتی منجر شد، بلکه نشان‌دهنده ضعف و ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی در مقابله با تجاوزات نظامی و حفظ اصول حقوق بشردوستانه است (خبرگذاری موج، ۱۴۰۴: ۱).

در برابر این ضعف ساختاری، برخی دولت‌ها، نهادهای منطقه‌ای و سازمان‌های غیردولتی تلاش کردند از ظرفیت‌های موجود در نظام عدالت کیفری بین‌المللی بهره‌گیرند. مستندسازی جرایم جنگی، نقض‌های سیستماتیک حقوق بشردوستانه و ارجاع پرونده‌ها به دیوان کیفری بین‌المللی بخشی از این تلاش‌ها بود. اساسنامه رم ۱۹۹۸، که بنیان دیوان را شکل داده است، امکان رسیدگی به جنایات بین‌المللی «جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی» را فراهم می‌کند. هرچند موانع سیاسی و حقوقی متعددی در مسیر صلاحیت دیوان نسبت به این پرونده‌ها وجود دارد، همین روند نشان داد که حقوق بین‌الملل ابزارهایی برای پاسخگویی در برابر نقض‌های جدی دارد. این ظرفیت‌ها اگرچه در عمل محدودیت‌هایی دارند، اما می‌توانند مانع از بی‌کیفری کامل رهبران و فرماندهانی شوند که در ارتکاب جنایات جنگی نقش داشته‌اند (Crawford, 2013). با وجود این تلاش‌ها، مشروعیت حقوق بین‌الملل در گرو آن است که قواعد موجود به‌طور برابر، بی‌طرفانه و فارغ از ملاحظات سیاسی اعمال شوند. هنگامی که دولت‌های قدرتمند یا متحدان آن‌ها از پاسخگویی حقوقی معاف

می‌شوند، اصل برابری دولت‌ها در برابر قانون بین‌الملل زیر سؤال می‌رود. چنین تبعیضی موجب می‌شود که دولت‌های دیگر نیز در رعایت قواعد بین‌المللی تعلل ورزند یا حتی آن‌ها را بی‌اعتبار بدانند. در واقع، کارآمدی حقوق بین‌الملل نه صرفاً به وجود متون حقوقی، بلکه به سازوکارهای اجرایی و اراده سیاسی جامعه جهانی برای اجرای بی‌طرفانه آن‌ها وابسته است. بدون این عنصر اجرایی، حقوق بین‌الملل به مجموعه‌ای از هنجارهای آرمانی و غیرالزام‌آور فروکاسته می‌شود که بیشتر کارکردی نمادین دارد تا عملی (Qistauri, 2025: 13).

در سطح منطقه‌ای، جنگ میان ایران و اسرائیل پیامدهای چندلایه‌ای بر ثبات خاورمیانه بر جای گذاشت؛ به‌ویژه آن‌که نقض گسترده اصول آمره حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از جمله ممنوعیت حمله به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی، نه تنها ابعاد بحران انسانی موجود را تشدید کرد، بلکه موجب شکل‌گیری موج‌های جدید آوارگی و مهاجرت اجباری در مقیاس فرامرزی شد. همچنین، این جنگ به تشدید رقابت‌های فرقه‌ای و منطقه‌ای دامن زد و موجب افزایش دخالت بازیگران ثالث مانند ترکیه، عربستان سعودی و حتی بازیگران غیردولتی شد. استمرار چنین روندی می‌تواند بی‌ثباتی موجود در کشورهای همسایه همچون لبنان، سوریه و عراق را تشدید کند و خاورمیانه را به صحنه‌ای از منازعات طولانی‌مدت نیابتی بدل سازد (Guzman, 2025: 18). در این شرایط، هرگونه غفلت جامعه جهانی از پاسخگویی حقوقی می‌تواند به تثبیت منطق خشونت در روابط منطقه‌ای بینجامد. در سطح کلان بین‌المللی، این جنگ آزمونی سرنوشت‌ساز برای نظام چندجانبه‌گرایی محسوب می‌شود، اگر نهادهایی مانند شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی در تضمین پاسخگویی و اجرای قواعد ناکام بمانند، کشورها به‌طور فزاینده‌ای به اقدامات یک‌جانبه، ائتلاف‌های محدود یا ترتیبات امنیتی منطقه‌ای روی خواهند آورد. این امر می‌تواند منطق چندجانبه‌گرایی، که بر همکاری و احترام به حقوق بین‌الملل استوار است، تضعیف کند و بازگشت به جهانی مبتنی بر رقابت‌های سخت قدرت را تسریع نماید (Seethi, 2025: 15). در مقابل، اگر جامعه جهانی بتواند با بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی، دیپلماتیک و سیاسی

به نقض‌های صورت‌گرفته واکنش مناسب نشان دهد، این جنگ می‌تواند فرصتی برای تقویت هنجارهای بین‌المللی و بازسازی اعتماد به نظم حقوقی موجود باشد.

### ۴-۳. مسئولیت فردی رهبران در قبال نقض حقوق بین‌الملل

یکی از تحولات بنیادین حقوق بین‌الملل معاصر، شناسایی مسئولیت کیفری فردی رهبران سیاسی و نظامی در قبال ارتکاب جنایات بین‌المللی است. اصل بنیادین این قاعده پس از جنگ جهانی دوم در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو تثبیت شد، جایی که رهبران عالی‌رتبه آلمان و جاپان به دلیل ارتکاب جنایت علیه صلح، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت تحت تعقیب قرار گرفتند. در این چارچوب، رهبران نمی‌توانند به مسئولیت دولت متوسل شوند یا به جایگاه رسمی خود استناد کنند تا از تعقیب قضایی مصون بمانند. بنابراین، اصل مسئولیت فردی رهبران، به موازات مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، یکی از ارکان اساسی نظام عدالت کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود (Cassese, 2008: 121-135). براساس اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸، افرادی که مرتکب نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز می‌شوند، شخصاً مسئول بوده و قابل مجازات‌اند (ICC, 1998, arts. 25, 28). این مسئولیت نه تنها شامل مجریان مستقیم بلکه شامل رهبران و فرماندهانی است که دستور ارتکاب جرم داده یا در برنامه‌ریزی و هدایت آن نقش داشته‌اند (ICC, 1998, art. 28). بنابراین، اگر رهبران سیاسی یا فرماندهان نظامی در این جنگ ایران و اسرائیل آگاهانه دستور حملات نامتناسب علیه غیرنظامیان را صادر کرده باشند، از منظر حقوق بین‌الملل، شخصاً قابل تعقیب خواهند بود.

یکی از اصول مهم در این زمینه، اصل عدم مصونیت مقامات عالی‌رتبه است. مطابق ماده ۲۷ اساسنامه رم، جایگاه رسمی افراد—خواه رئیس دولت یا مقام عالی‌رتبه نظامی—مانع از تعقیب کیفری آنان نخواهد شد. این اصل در رویه قضایی نیز تثبیت شده است. از جمله، دیوان کیفری بین‌المللی برای عمرالبشیر، رئیس‌جمهور وقت سودان، حکم جلب صادر کرد و او را به اتهام ارتکاب جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی تحت تعقیب قرار داد (ICC, 2009: 1). نمونه دیگر مربوط به بنیامین نتانیاهو، صدراعظم برحال اسرائیل است

که در برخی پرونده‌ها، دادگاه‌های بین‌المللی به درخواست کشورهای ثالث، حکم جلب او را برای بررسی اتهامات مرتبط با اقدامات نظامی و نقض حقوق بشر صادر کرده‌اند (Human Rights Watch, 2023: 2). این رویه‌ها نشان می‌دهد که اصل مسئولیت کیفری رهبران و مقامات عالی‌رتبه در حقوق بین‌الملل، تنها محدود به نظریه نیست، بلکه در عمل نیز قابلیت اجرا دارد و جامعه بین‌المللی می‌تواند رهبران سیاسی و نظامی را به خاطر اقدامات غیرقانونی تحت تعقیب قرار دهد. از این رو، در صورت ارتکاب جنایات جنگی در جریان جنگ دوازده‌روزه میان ایران و اسرائیل، رهبران دو طرف نه تنها از مسئولیت مبرا نخواهند بود، بلکه در صورت احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی یا ایجاد یک دادگاه ویژه، می‌توانند شخصاً در برابر عدالت بین‌المللی پاسخگو شده و تحت تعقیب قضایی قرار گیرند.

مسئولیت کیفری فردی رهبران، نه تنها یک ابزار حقوقی برای تضمین پاسخگویی در برابر نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل است، بلکه کارکرد بازدارنده نیز دارد. آگاهی رهبران از اینکه تصمیمات آنان می‌تواند پیامد کیفری شخصی در سطح بین‌المللی داشته باشد، عاملی برای محدودسازی خشونت و رعایت اصول حقوق بشردوستانه است (Schabas, 2017: 3). با این حال، اجرای این اصل در عمل با چالش‌های سیاسی و نهادی مواجه است؛ از جمله عدم همکاری برخی دولت‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی و استفاده ابزاری از سازوکارهای عدالت کیفری بین‌المللی. با این وجود، اصل مسئولیت کیفری فردی رهبران همچنان یکی از دستاوردهای اساسی حقوق بین‌الملل در مسیر حمایت از کرامت انسانی و حاکمیت قانون در سطح جهانی به‌شمار می‌رود.

## ۵. پیامدهای جنگ ایران و اسرائیل در پرتو حقوق بین‌الملل

### ۵-۱. پیامدهای انسانی جنگ ایران و اسرائیل

حملات مکرر به مناطق مسکونی و زیرساخت‌های غیرنظامی «بیمارستان فارابی کرمانشاه و صداوسیما تهران نقض آشکار اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به ویژه کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی، را نشان می‌دهد. این حملات، که مصداق جرایم جنگی تلقی می‌شوند، منجر به تخریب خانه‌ها، قطع طولانی مدت اینترنت، و آوارگی گسترده شده

است. تا ژوئن ۲۰۲۵، بیش از ۱۰۰'۰۰۰ نفر تهران را ترک کرده‌اند و به مناطق شمالی «مازندران و گیلان» پناه بردند (Iranian Red Crescent, 2025: 1). یافته‌های رسمی ایران از ۹۳۵ کشته و ۴'۸۷۰ مجروح خبر می‌دهند، در حالی که منابع مستقل آمار بالاتری (۱'۱۹۰ کشته و ۴'۴۷۵ مجروح) ارائه کرده‌اند (UNOCHA, 2025: 3). این بحران انسانی، فشار سنگینی بر هلال احمر و نهادهای امدادی وارد کرده و با افزایش استرس و اضطراب در میان غیرنظامیان، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی را متزلزل کرده است. همچنین، ناامنی مرزی و بی‌ثباتی ناشی از جنگ، بستر را برای رشد گروه‌های افراطی و قاچاق فراملی فراهم کرده که امنیت داخلی ایران و منطقه خاورمیانه را تهدید می‌کند (UNHCR, 2025: 7).

حملات موشکی ایران به شهرهایی «تل‌آویو و حیفا» نیز نقض اصل تفکیک اهداف نظامی و غیرنظامی را نشان می‌دهد و به تلفات غیرنظامی منجر شده‌است. تا ژوئن ۲۰۲۵، سازمان ستاره داوود سرخ از ۲۸ کشته و ۳'۲۳۸ بستری گزارش کرده که شامل موارد وخیم و اختلالات روانی و حملات عصبی است (Magen David Adom, 2025: 1). بیش از ۹'۰۰۰ نفر در اسرائیل آواره شده‌اند و مجبور به ترک محل سکونت خود شده‌اند. این اقدامات، اسرائیل را در معرض مسئولیت بین‌المللی و پیگرد احتمالی در دیوان کیفری بین‌المللی قرار داده‌است. علاوه بر این، بی‌ثباتی ناشی از درگیری‌ها، فضای مناسبی برای گسترش افراط‌گرایی و خشونت‌های فرقه‌ای ایجاد کرده که می‌تواند به کشورهای همسایه مانند لبنان و سوریه سرایت کند. این روند، همراه با تضعیف کنترل مرزی و افزایش فعالیت گروه‌های تندرو، امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را به خطر انداخته و توانایی نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل در مدیریت بحران را زیر سوال برده است (UN Security Council, 2025: 1).

## ۵-۲. پیامدهای سیاسی جنگ ایران و اسرائیل

یکی از نخستین پیامدهای سیاسی جنگ ایران و اسرائیل، تضعیف مشروعیت و اعتبار نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد، است. شورای امنیت مطابق فصل هفتم منشور ملل متحد مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، اما ناتوانی آن در مدیریت

این بحران و اتخاذ اقدامات بازدارنده یا الزام آور، ضعف ساختاری نظام امنیت جمعی را برجسته کرده است. این ناکارآمدی نه تنها بیانگر محدودیت‌های حقوقی و رویه‌ای شورا در مواجهه با منازعاتی است که بازیگران قدرتمند و متحدان راهبردی آن‌ها درگیر هستند، بلکه نشان‌دهنده غلبه منافع ملی قدرت‌های بزرگ بر اصول حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه نیز می‌باشد (Chesterman, 2025: 13). در چنین شرایطی، مشروعیت نهادهای بین‌المللی به شدت آسیب می‌بیند و فضای بین‌المللی به سوی بی‌اعتمادی بیشتر نسبت به نهادهای چندجانبه حرکت می‌کند. این روند می‌تواند پیامدهای درازمدتی برای نظم بین‌المللی لیبرال داشته باشد، زیرا دولت‌ها به جای رجوع به سازوکارهای حقوقی و نهادی، بیشتر به ابزارهای یک‌جانبه، قدرت سخت و ائتلاف‌های مقطعی برای تأمین امنیت و منافع خود متوسل خواهند شد. به بیان دیگر، این جنگ بار دیگر «بحران اعتماد به سازمان ملل» را به سطح گفت‌وگو بین‌المللی بازگردانده و مشروعیت ادعایی نظام حقوقی بین‌المللی را به چالش کشیده است (فلاحی، ۱۴۰۴: ۲۲).

در کنار این مسئله، جنگ ایران و اسرائیل به تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ در صحنه بین‌المللی و افزایش مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای انجامیده است (مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۴۰۴: ۶). ایالات متحده آمریکا با توجه به پیوندهای راهبردی عمیق خود با اسرائیل، عملاً در موضع حمایت‌گرانه از این کشور قرار گرفته و از ابزارهای دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی برای تضمین برتری اسرائیل در میدان استفاده می‌کند. در مقابل، روسیه به عنوان رقیب سنتی غرب تلاش می‌کند از طریق حمایت سیاسی از ایران و بهره‌برداری از شکاف‌های جیوپلیتیکی موجود، جایگاه خود را در خاورمیانه تثبیت کند و از این طریق، اهرم فشار جدیدی در برابر غرب به دست آورد (مؤسسه روابط بین‌الملل و سیاست‌های جهانی، ۱۴۰۴: ۵). چین نیز با رویکردی متمایز، عمدتاً به دنبال حفظ ثبات نسبی برای تأمین امنیت انرژی و حفاظت از پروژه‌های زیرساختی ابتکار کمربند و راه است، اما ناگزیر به ایفای نقش فعال‌تر در مدیریت بحران برای جلوگیری از اختلال در مسیرهای حیاتی تجارت جهانی می‌شود (Fulton, 2025: 6). این هم‌زمانی و تلاقی منافع قدرت‌های بزرگ در یک جنگ منطقه‌ای، به وضوح نشان‌دهنده حرکت نظام بین‌الملل به سوی چندقطبی‌گرایی و پیچیده‌تر شدن معادلات امنیتی جهانی است.

بدین ترتیب، جنگ ایران و اسرائیل تنها یک منازعه دوطرفه یا حتی منطقه‌ای نیست، بلکه به یک صحنه رقابت جیوپلیتیکی جهانی تبدیل شده که پیامدهای آن می‌تواند توازن قدرت در نظام بین‌الملل را نیز متأثر سازد.

افزون براین، جنگ مذکور پیامدهای ژرفی بر معادلات قدرت و روابط منطقه‌ای در خاورمیانه داشته و احتمال تغییر توازن قوا میان بازیگران کلیدی منطقه را افزایش داده است (Chatham House, 2025: 15). ایران به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی محور مقاومت، با ورود مستقیم به جنگ علیه اسرائیل در معرض فشارهای شدید سیاسی و نظامی قرار گرفته است؛ درحالی‌که برخی دولت‌های عربی که پیش‌تر به سمت عادی‌سازی روابط با اسرائیل در چارچوب توافقات ابراهیم حرکت کرده بودند، اکنون در موقعیتی پیچیده گرفتار شده‌اند. از یک سو، فشار افکار عمومی در جهان عرب برای حمایت از مسئله فلسطین و مقابله با اسرائیل افزایش یافته و می‌تواند مشروعیت داخلی دولت‌های عربی را به چالش بکشد. از سوی دیگر، وابستگی امنیتی و اقتصادی آن‌ها به ایالات متحده و غرب، آن‌ها را در وضعیتی قرار داده که ناگزیر باید میان دو مسیر دشوار انتخاب کنند. این وضعیت باعث شده روند عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی با کندی و حتی عقب‌گرد روبه‌رو شود (Miller, 2025: 10). در سطح گسترده‌تر، این جنگ موجب شده ائتلاف‌های منطقه‌ای جدیدی شکل بگیرد یا ائتلاف‌های پیشین تضعیف شوند (Magen and Milani, 2025: 19). نزدیکی بیشتر ایران به روسیه و چین در مقابل تحکیم روابط امنیتی اسرائیل با ایالات متحده و برخی کشورهای خلیج فارس، نشانه‌ای از بازترسیم نقشه جیوپلیتیک خاورمیانه است. این بازترسیم نه تنها پیامدهای امنیتی منطقه‌ای دارد، بلکه بر معادلات جهانی نیز اثرگذار خواهد بود، زیرا خاورمیانه همچنان یکی از محورهای اصلی رقابت قدرت‌های بزرگ باقی خواهد ماند (Azizi, 2025: 8).

### ۵-۳. پیامدهای اقتصادی جنگ ایران و اسرائیل

پیامدهای اقتصادی جنگ ایران و اسرائیل ابعاد گسترده‌ای را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شامل می‌شود و تحلیل آن بدون توجه به تحولات جیوپلیتیکی و جریان‌های

اقتصادی جهانی ناقص خواهد بود (The Soufan Center, 2025: 1). نخستین و شاید مهم‌ترین اثر اقتصادی، اختلال در امنیت انرژی است. ایران و اسرائیل هر دو در مراکز حساس انرژی منطقه قرار دارند؛ ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز جهان و اسرائیل به‌واسطه زیرساخت‌های استراتژیک و ذخایر انرژی خود، اهمیت ویژه‌ای دارند (آی‌بی‌ا، ۱۴۰۴: ۱۴). جنگ، مسیرهای انتقال نفت و گاز را به‌شدت تهدید می‌کند و می‌تواند منجر به توقف صادرات، افزایش ریسک حمل و نقل دریایی و ایجاد نوسان شدید در بازارهای جهانی انرژی شود (Yergin, 2020: 1). افزایش نااطمینانی انرژی، نه‌تنها بر قیمت نفت و گاز تأثیر می‌گذارد، بلکه اقتصاد کشورهای واردکننده انرژی در آسیا، اروپا و آفریقا را نیز تحت فشار قرار می‌دهد (Reuters, 2025: 9). این وضعیت ممکن است سیاست‌های اقتصادی کشورهای مصرف‌کننده انرژی را به سمت ذخیره‌سازی استراتژیک و تنوع‌بخشی به منابع سوق دهد، اما در کوتاه‌مدت فشار تورمی و کمبود انرژی را افزایش می‌دهد.

پیامد دوم اقتصادی، تخریب زیرساخت‌های حیاتی و هزینه‌های بالای بازسازی است. جنگ در هر دو کشور موجب آسیب شدید به شبکه‌های حمل‌ونقل، نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، شبکه‌های برق و تأسیسات آب و فاضلاب شده است (همشهری آنلاین، ۱۴۰۴: ۱). ایران و اسرائیل هر دو دارای شهرها و مناطق صنعتی حیاتی هستند که در صورت هدف قرار گرفتن، اقتصاد ملی و منطقه‌ای را به‌شدت مختل می‌کنند. هزینه بازسازی این زیرساخت‌ها نه‌تنها فشار مالی سنگینی بر دولت‌ها وارد می‌کند، بلکه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران را نیز دچار عدم اطمینان می‌سازد و روند توسعه اقتصادی را به عقب می‌راند (آفتاب نیوز، ۱۴۰۴: ۱). به‌علاوه، تخریب زیرساخت‌ها می‌تواند بر صنایع وابسته به انرژی و حمل و نقل تأثیر بگذارد و زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای و بین‌المللی را مختل کند. در واقع، این جنگ باعث می‌شود نه‌تنها خسارت مستقیم اقتصادی، بلکه اثرات ثانویه و چندلایه آن بر تولید، صادرات، اشتغال و رفاه عمومی نمود پیدا کند.

سومین اثر اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری و تشدید فقر در هر دو کشور و حتی منطقه پیرامونی است. درگیری‌های نظامی عمدتاً موجب فرار سرمایه‌های داخلی و خارجی

می‌شوند و بخش خصوصی تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری در شرایط پرریسک از دست می‌دهد. هم‌زمان، تحریم‌های اقتصادی جدید، محدودیت‌های مالی و اختلال در تجارت بین‌المللی، فشار مضاعفی بر اقتصادها ایجاد می‌کند. این شرایط به کاهش رشد اقتصادی، افزایش بیکاری و تضعیف معیشت اقشار آسیب‌پذیر منجر می‌شود و شکاف اقتصادی و نابرابری اجتماعی را تشدید می‌کند (Katz, 2025: 15). افزون بر این، کشورها و شرکت‌های بین‌المللی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با ایران و اسرائیل در ارتباط اقتصادی هستند، با ریسک بالای مالی و سیاسی مواجه شده و ممکن است سرمایه‌گذاری‌های خود را به مناطق کم‌ریسک‌تر منتقل کنند. این فرار سرمایه، پیامدهای بلندمدتی برای توسعه اقتصادی و ثبات مالی منطقه به‌دنبال خواهد داشت و می‌تواند چرخه فقر و نابرابری را در جامعه تشدید کند (Middle East Forum, 2025: 12). تحلیل اقتصادی جنگ ایران و اسرائیل نشان می‌دهد که اثرات این بحران محدود به خسارت‌های فوری نیست، بلکه با ایجاد اختلال در امنیت انرژی، تخریب زیرساخت‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری، شبکه‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی را به چالش می‌کشد و می‌تواند ثبات بلندمدت اقتصادی خاورمیانه و حتی جهان را به مخاطره اندازد.

### نتیجه‌گیری

ارزیابی مشروعیت اقدامات دو طرف در جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل نشان می‌دهد که هرچند هر دو دولت به دفاع مشروع براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد استناد کردند، دامنه و شیوه اجرای عملیات نظامی فراتر از الزامات حقوق بین‌الملل بود. حملات مستقیم یا غیرمستقیم به غیرنظامیان، نابودی زیرساخت‌های حیاتی و نقض اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، مشروعیت اقدامات ادعایی هر دو طرف را به شدت تضعیف کرد. در واقع، مشروعیت حقوقی دفاع مشروع زمانی حفظ می‌شود که اقدامات نظامی ضرورت، تناسب و رعایت اصل تفکیک را در برداشته باشد. عدم رعایت این اصول، به‌ویژه در مواردی که غیرنظامیان هدف قرار گرفتند، نشان می‌دهد که استناد به دفاع مشروع بیشتر به‌مثابه توجیه سیاسی به‌کار گرفته شد تا مبنای حقوقی معتبر. با این حال، چالش‌های عملی اجرای

حقوق بین الملل در این بحران نشان داد که موانع ساختاری و سیاسی همچنان مانع اعمال بی طرفانه قواعد می شوند.

ناکامی شورای امنیت در اتخاذ اقدامات قاطع، به دلیل حق وتوی اعضای دائم و ملاحظات جیوپلیتیکی، مصداق بارز این محدودیت است. همچنین، دیوان کیفری بین المللی در مواجهه با پرونده‌های حساس سیاسی با مشکل صلاحیت و همکاری دولت‌ها روبه‌رو است. افزون بر این، بی‌اعتمادی متقابل دولت‌ها نسبت به نهادهای بین المللی و استفاده ابزاری از حقوق بین الملل برای مقاصد سیاسی، بردشواری‌های اجرای قواعد افزوده است. در چنین شرایطی، خطر «هنجارزدایی» از حقوق بین الملل افزایش می‌یابد و کارآمدی این نظام بیش از پیش زیر سؤال می‌رود. برای مواجهه با این چالش‌ها، جامعه جهانی باید نقش فعال‌تر و مؤثرتری ایفا کند. نخست، اصلاح سازوکارهای شورای امنیت به‌ویژه در محدودسازی یا مشروط‌سازی استفاده از حق وتو در موارد نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه می‌تواند به افزایش کارآمدی آن کمک کند. دوم، تقویت همکاری دولت‌ها با دیوان کیفری بین المللی و حمایت از ابتکارات منطقه‌ای در زمینه عدالت انتقالی می‌تواند از بی‌کیفری رهبران و فرماندهان نظامی جلوگیری نماید. سوم، توسعه چارچوب‌های حقوقی بازدارنده از طریق تصویب معاهدات جدید یا تفسیر موسع‌تر قواعد موجود، به‌ویژه در حوزه حمایت از غیرنظامیان، ضروری است.

#### منابع

جاوید، احسان، (۱۳۹۳)، مشروعیت اعمال تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه در حقوق بین الملل؛ ضامن اجرای حقوق بین الملل یا ابزار سیاست ملی؟ *حقوق و سیاست*، شماره ۱۰، جلالی، محمود، رضانی، مسعود، (۱۳۹۷)، جنگ سایبری و توسعه حقوق بین الملل منع توسل به زور،

#### مطالعات حقوق عمومی، ۸۴

داداندیش، پروین، (۱۳۹۱)، تحولات لیبی و دکترین مسئولیت حمایت، *راهبرد*، ۲۱۶۲

میدانی، سید حسین، (۱۳۹۰)، *بررسی صلاحیت قانونگذاری شورای امنیت با تأکید بر تصمیمات شورا پس از جنگ سرد (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)*، دانشگاه تهران

ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، *حقوق معاهدات بین الملل*، تهران، نشر گنج دانش

ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، *حقوق بین الملل عمومی*، تهران، گنج دانش

قادری، سید محمدهادی و قربان‌نیا، ناصر، (۱۳۹۲)، دکترین مسئولیت حمایت و تلاش برای مقابله با فجایع انسانی، *روابط خارجی*، ۵(۱)

قاسمی، علی چهاربخش و بارین، ویکتور، (۱۳۹۰)، تهدید به زور و حقوق بین الملل، *پژوهش حقوقی*، ۱۴(۳۶)

قاسمی، محمدرضا و چهاربخش، سیدمسعود، (۱۳۹۰)، *حقوق بین الملل و امنیت جمعی*، تهران، نشر حقوق

مختاری، مجید، (۱۳۸۷)، یکجانبه‌گرایی آمریکا در نظام بین الملل، *نگاه*، ۳(۲۷)

ممتاز، جمشید و صابری انصاری، بهزاد، (۱۳۹۱)، تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل منع تهدید و توسل به

زور، *راهبرد*، ۲۱(۶۳)

میوه‌بان، میلاد، (۱۳۹۷)، نقض مقررات حقوق بشر به واسطه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، *قانون*، ۲(۶)

یاقوتی، محمدمهدی، (۱۳۹۰)، استثنائات حقوقی ممنوعیت توسل به زور در روابط بین الملل، *سیاست*

*خارجی*، ۲۵(۴)

اکثرآزنان و کودکان در میان ۵۰ مجروح حمله اسرائیل، (۲۰۲۵)، *الجزیره*

*بررسی پیامدهای انسانی جنگ‌های خاورمیانه با تأکید بر آوارگی داخلی*، (۱۴۰۴)، تهران، مرکز مطالعات

راهبردی

فلاحی، محمد، (۱۴۰۴)، حمله ژوئن ۲۰۲۵ اسرائیل به ایران و پیامدهای تغییر معادلات امنیتی منطقه‌ای،

مؤسسه روابط بین الملل و سیاست‌های جهانی، قابل دسترسی: <https://www.iras.ir>

*بررسی رقابت قدرت‌های بزرگ در جنگ ایران و اسرائیل: تحلیل مداخلات آمریکا و روسیه*، (۱۴۰۴)،

مؤسسه روابط بین الملل و سیاست‌های جهانی، تهران

*پیامدهای جیوپولتیکی جنگ ایران و اسرائیل: نقش بازیگران فرامنطقه‌ای*، (۱۴۰۴)، تهران، مرکز

مطالعات استراتژیک خاورمیانه

پس از شوک: تأثیر اقتصادی جنگ اسرائیل و ایران بر کشورهای خلیج فارس، (۱۴۰۴)، *همشهری آنلاین*، قابل

دسترسی: <https://www.hamshahronline.ir/news/968007>

چهار سناریو در مورد جنگ و صلح آمریکا و ایران، (۱۴۰۴)، *آفتاب‌نیوز*، قابل دسترسی:

<https://aftabnews.ir/fa/news/1009050>

نقض آتش‌بس ایران و اسرائیل بزرگ‌ترین بحران اقتصادی قرن ۲۱ را رقم می‌زند، (۱۴۰۴)، *آی‌بی‌ان*، قابل

دسترسی: <https://www.ibena.ir/fa/news/175570>

Bass, Gary J, (2004), Jus post bellum, *Philosophy & Public Affairs*, 32(4)

Cassese, Antonio, (2008), *International criminal law*, Oxford University Press

Akande, Dapo., & Gillard, Emanuela-Chiara, (2025), *Oxford guidance on the law*

*relating to humanitarian relief operations in situations of armed conflict*, Oxford

University Press

Chesterman, Simon, (2025), *The UN Security Council and the rule of law*, Oxford

University Press

Crawford, James, (2013), *State responsibility: The general part*, Cambridge

University Press

- Cronin, Audrey Kurth, (2025), **Power to the people: How open technological innovation is arming tomorrow's terrorists**, Oxford University Press.
- Dinstein, Yoram, (2016), **The conduct of hostilities under the law of international armed conflict (3rd ed.)**, Cambridge University Press
- Gray, Christine, (2002), From unity to polarization: International law and the use of force against Iraq, **European Journal of International Law**, 13(3), 391–410
- Gray, Christine, (2018), **International law and the use of force**, Oxford University Press
- Grotius, Hugo, (2005), **On the law of war and peace (De Jure Belli ac Pacis)**, Liberty Fund
- Guzman, Andrew T, (2025), **How international law works: A rational choice theory**, Oxford University Press
- Henckaerts, Jean-Marie., & Doswald-Beck, Louise. (2005), **Customary international humanitarian law: Volume I: Rules**, Cambridge University Press
- Hurd, Ian, (2007), **After anarchy: Legitimacy and power in the United Nations Security Council**, Princeton University Press
- International Committee of the Red Cross (ICRC), (1987), **Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions**, Martinus Nijhoff
- International Committee of the Red Cross (ICRC). (2015), **The Geneva Conventions of 1949 and their Additional Protocols**, ICRC
- International Committee of the Red Cross (ICRC), (2025), **Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions**, Martinus Nijhoff
- International Criminal Court (ICC), (2009), **Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir**
- International Criminal Court (ICC), (2016), **Prosecutor v. Bosco Ntaganda (Judgment)**, ICC
- International Law Commission (ILC), (2001), **Draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts**, United Nations
- Iranian Red Crescent Society (IRCS), (2025), **Humanitarian situation update: Displacement and civilian casualties in Tehran and western provinces**, Tehran, IRCS
- Iwanek, Grzegorz, (2009), **The responsibility to protect: Ending mass atrocity crimes once and for all**, Brookings Institution
- Johnson, James Turner, (1981), **Just war tradition and the restraint of war: A moral and historical inquiry**, Princeton University Press
- Magen David Adom, (2025), **Casualty and displacement report: Impact of missile attacks on Israeli civilians**, Tel Aviv, Magen David Adom
- Malone, David M, (2005), **The UN Security Council from the Cold War to the 21st century**, Lynne Rienner
- United Nations, (2025). **Iran–Israel conflict: Legal and regional implications**, New York, United Nations.
- United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR), (2023), **Global trends: Forced displacement in 2022**, UNHCR
- United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR), (2025), **Regional displacement trends: Middle East update**, Geneva, UNHCR.

- United Nations Security Council (UNSC), (2025), **Report of the Secretary-General on threats to international peace and security**, New York, United Nations
- Israeli attack on Tehran, (2025), **Amnesty International**, Available: <https://www.amnesty.org>
- Amnesty International, (2025, June), *Urgent need to protect civilians amid unprecedented escalation in hostilities between Israel and Iran*, Available: <https://www.amnesty.org>
- Azizi, Hamidreza, (2025, July 8), Israel, Iran and the new Middle Eastern Chessboard, **International Relations**, Available: <https://www.e-ir.info/2025/07/08/israel-iran-and-the-new-middle-eastern-chessboard/>
- Chatham House, (2025), **Iran–Israel conflict: Iran has run out of good options**. Available: <https://www.chathamhouse.org/2025/06/iran-israel-conflict-iran-has-run-out-good-options>
- Chen, Janice Kai, Rom, Alon., Vinal, Frances., DeYoung, Karen., Balousha, Hazem., Bisset, Victoria., Ledur, Júlia., Shapiro, Leslie., & Ovalle, David, (2025), Live update: Israel attacks Iran; IRGC commander killed in Tehran, **The Washington Post**, Available: <https://www.washingtonpost.com>
- Fulton, Jonathan, (2025), China's changing role in the Middle East, *Atlantic Council*, Available: <https://www.atlanticcouncil.org>
- War updates*, (2025), **Iran International**, Available: <https://www.iranintl.com>
- Katz, Mark N, (2021), **Economic consequences of war in the Middle East**, Routledge
- Magen, Amichai., & Milani, Abbas, (2025), Understanding the War between Israel and Iran: Q&A with Amichai Magen and Abbas Milani, *Stanford Freeman Spogli Institute for International Studies*, Available: <https://cddrl.fsi.stanford.edu/news/understanding-war-between-israel-and-iran-qa-amichai-magen-and-abbas-milani>
- Iran's turmoil deepens after war with Israel, (2025), **Middle East Forum**, Available: <https://www.meforum.org/mef-observer/irans-turmoil-deepens-after-war-with-israel>
- Miller, Aaron David, (2025), **The Abraham Accords and Middle East geopolitics**, Carnegie Endowment for International Peace, Available: <https://carnegieendowment.org>
- Nye, Joseph S, (2006), Transformation is hard, **Eurasia Newsletter**, Available: <https://eurasianet.org>
- Seethi, K. M, (2025), Israel-Iran conflict triggers collapse of the global order, **Policy Circle**, Available: <https://www.policycircle.org/opinion/israel-iran-conflict-iaea-npt/>
- Shaw, Malcolm N, (2025), **International law**, Cambridge University Press
- Iran-Israel conflict demonstrated vulnerability of global energy infrastructure, (2025), **The Soufan Center**, Available: <https://thesoufancenter.org/intelbrief-2025-june-27/>
- Iran–Israel war, (2025), **Wikipedia**, Available: <https://www.wikipedia.org>